



تقی آزادارمکی

مشخصات فوتبال امروز

مقدمه

فوتبال یکی

ویژگی های فوتبال ۱. فوتبال، پدیده ای پرریسک

فوتبال، پدیده ای پرریسک و پرخطر است. علت آن هم عقلانیت بالایش است. این عقلانیت در کلیت جامعه مدرن وجود دارد. البته حتی در جامعه غیرمدرن هم فوتبال در کنار چندین ساحت دیگر دیده می شود. حتی جوامع غیرمدرن هم در برخی حوزه ها بدون عقلانیت و محاسبه پذیری امکان ظهور ندارند، حوزه هایی مثل حوزه نظامی، حمل و نقل هوایی و دریایی، طبابت و درمان بیماران و به طور خاص جراحی های مهم و سرنوشت ساز، امور بانکی و تجارت و در نهایت ورزش؛ زیرا در همه این امور، بی توجهی به اهداف و وسایل انتخابی، موجب از بین رفتن و نابودی فرد و سرمایه و امکانات می شود. به طور مثال، وقتی بیماری به محلی به نام بیمارستان می رود، اما این محل فاقد پزشک یا امکانات درمان و معالجه است، احتمال مرگ او وجود دارد. به همین دلیل است که پزشکی یکی از پرخطرترین و پرپرستیژترین مشاغل دنیاست. دقت در مرحله تشخیص و درمان از حساسیت موضوع - بیماری و نجات جان بیمار - ناشی می شود. اگر این حساسیت نباشد، هر فردی می تواند به تشخیص بیماری و درمان آن اقدام کند.

این مساله در مورد ورزش و به طور خاص فوتبال هم صادق است. فوتبال ورزشی است پرخطر. در این ورزش جان افراد چندان در خطر نیست، اما پای شکست تیم و آبروریزی یک کشور در میان است. اگر تیمی در مسابقات جهانی خوب ظاهر نشود، به آبروی کشور خود لطمه وارد خواهد کرد. به همین دلیل است که این حوزه نیز از حوزه های پرخطر و پرحادثه است. در نتیجه همه امور مرتبط با فوتبال دارای اهمیت می شوند.

از ورزش هایی است که در دوره جدید اهمیتی بیش از رقابت بین دو تیم یا دو کشور را پیدا کرده است. فوتبال پدیده ای فرامرزی و فراملی و فرافرهنگی و سامان دهنده مناسبات بین کشورها و ملت ها و قاره ها است. فوتبال از یک بازی ساده بین تعداد افراد خاصی که قدرت بدنی بالایی دارند، به یک پدیده فرهنگی، سیاسی و هویتی تبدیل شده است. ملت ها از طریق فوتبال و رقابت در جام های جهانی به یکدیگر می پیوندند یا از هم گسسته می شوند. به این لحاظ است که بررسی جایگاه فوتبال و نوع رابطه ای که با آن داریم، می تواند در زندگی و سیاست و اقتصاد ایرانی و در نهایت اقتصاد جهانی موثر باشد. خوشبختانه وارد شدن به فوتبال در ایران و مشارکت جمعی مردم در آن با وجود مشکلات، چندان طاقت فرسا نبوده است، زیرا در آغاز به عنوان یک ورزش جلوه کرد و امروز که به یک فرهنگ و نظام سیاسی و اجتماعی تبدیل شده دیگر بازگشت از آن امکان ندارد. تبدیل فوتبال به عنوان یک ورزش و آماده سازی بدنی و رقابت برای انتخاب تیم قوی در میدان، به پدیده ای فرهنگی و اجتماعی که نشان از رقابت ملت ها و کشورها دارد، بر ارزشمندی این پدیده افزوده و شان آن را بالا برده است. ما ایرانیان خواسته یا ناخواسته از بدو شکل گیری فوتبال به عنوان پدیده ای جهانی و فراملی، تحت تاثیر آن قرار گرفته ایم. درباره این که چرا فوتبال این گونه است و دیگر پدیده ها در ایران و جهان این نقش تعیین کننده را ندارند، تلقی های متعددی وجود دارد. در ادامه بسیار گذرا، ضمن بازگو کردن ویژگی های فوتبال، نحوه حضور فرهنگی و اجتماعی آن را در سطح جهانی نشان خواهیم داد.

افسردگی که به عنوان بازیکن در تیم حاضر می شوند، افرادی که دوری بازی ها را به عهده می گیرند، مربیان و همکاران تیم، سازمانی که مسئولیت مدیریت کلان این ورزش را به عهده دارد، محل مسابقات، مجلات و رسانه هایی که به فوتبال اختصاص دارند و در نهایت دشمنان و رقبای مهم هستند و پرخطر. اگر دقت کرده باشیم، از انتخاب نام تیم، محل و زمان بازی، تمرین ها، بازیکنان، مسائل خانوادگی و شخصی آن ها، روابط اجتماعی و سیاسی شان، سرپرست تیم و مربی و عایدات افراد و باشگاه و مسائل اخلاقی افراد و هزاران مساله دیگر، برای همه مهم است. این ورزش از نوع فعالیت هایی است که به یک نفر یا گروه خاص تعلق ندارد. همه افراد جامعه خود را محقق اظهارنظر و داوری در مورد فوتبال می دانند و به همین دلیل هم هست که وقتی بازی مهمی انجام می شود، بسیاری از افراد خود را موظف به تماشا و در نهایت داوری درباره شکست و پیروزی تیم ها می دانند.

۲. فوتبال، اختلاط حوزه خصوصی و عمومی

فوتبال از پدیده هایی است که به سرعت حوزه خصوصی افراد را به حوزه عمومی متصل می کند و افشاگری در آن بسیار است. اگر در حوزه سیاست و دین، امکان پوشاندن و مدیریت خطاهای افراد مسئول و تصمیم ساز وجود دارد، در حوزه فوتبال این امکان یا خیلی کم است یا اصلا وجود ندارد. علت عدم محرم داری و راز نگه داری در این حوزه ناتوانی مدیران یا ضعف بازیکنان آن نیست. علت اصلی، نوع رابطه ای است که بین حوزه خصوصی بازیکنان با حوزه عمومی و جامعه ایجاد شده است.

بازیکنان از بنو ورود به این حوزه در معرض توجه و نظارت و ارزیابی تماشاچیان- از طریق رسانه یا کسانی که همراه آن‌ها هستند، یا با آن‌ها بازی می‌کنند- قرار دارند. بازیکنان در تیم فوتبال در همه لحظات در معرض تماشا قرار دارند. آنان مانند سیاستمداران نیستند که در بعضی از صحنه‌ها در معرض دید مردم و تماشاچیان قرار گیرند. فوتبالیست‌ها نه تنها از طریق طرفداران و مخالفانشان مورد تماشا قرار می‌گیرند، بلکه از سوی مسئولان تیم و باشگاه و رسانه‌ها و همکاران و هم بازی‌هایشان هم تماشا می‌شوند. چرا این گونه است؟ علت آن به اهمیت بازی و بازیگری بر می‌گردد. تیم فوتبال به بیش از یازده بازیکن و تعدادی هم ذخیره نیاز ندارد. زمین بازی با تعداد محدودی بازیکن سر و سامان می‌یابد. معلوم نیست که این افراد بهترین‌های انتخاب شده برای حضور در زمین باشند. البته ممکن است این افراد بهترین‌ها باشند، ولی بسیاری از افراد دیگر هم هستند که می‌خواهند به جای آن‌ها قرار بگیرند و توسط تماشاچیان- موافقان و مخالفان تیم و همشاگردی‌ها و دوستان و همسایه‌ها و... دیده شوند. به همین دلیل است که کوچکترین ضعف و نارسایی در رفتار و ایده و گرایش، می‌تواند منشا رسوایی و افشاجری گردد. هر روز در مطبوعات ورزشی سخن از بداخلاقی و دعوت کمیته انضباطی از افراد است. یا این که خبر خطای یک بازیکن فوتبال دامنه‌دارتر از خطای یک سیاستمدار، مطرح و پیگیری می‌شود. این است که من فوتبال را پدیده‌ای بر هم زنده‌تمایز حوزه خصوصی و عمومی بازیکنان می‌دانم. البته این وضعیت در وضعیت قبلی (ریسک‌پذیری بالا) آن ریشه دارد. امکان اختلاط حوزه خصوصی و عمومی در این ورزش زیاد است، چون فوتبال سطح ریسک‌پذیری بالایی دارد. به همین علت حذف و نابودی بازیکنان فوتبال امری قابل پیش‌بینی است.

۳. فوتبال و حضور محدود

با توجه به ویژگی‌های دوگانه ریسک بالا و اختلاط حوزه خصوصی و عمومی، افراد نمی‌توانند برای تمام عمر در این حوزه باقی بمانند. حضور موثر و مفید افراد در این حوزه محدود است. برای بعضی‌ها امکان باقی ماندن برای سالیان بسیاری هست، ولی امکان حضور همیشگی وجود ندارد. اگر مرگ زودرسی پیش آید، فرد را از خطاهای محتمل نجات می‌دهد و او را محبوب سازد.

بیشتر افراد مطرح شده در فوتبال برای چند سال مهم و محبوب می‌مانند و بعد از آن به دلایلی از صحنه خارج می‌شوند. یکی از این دلایل افزون بر افشاجری تماشاچی‌ها به دلیل خطاهای شخصی که بخشودنی است، سرعت در نوآوری و تخصص‌گرایی است. اگر افراد در سال‌های گذشته تیمی تشکیل داده‌اند و در رقابت منطقه‌ای یا جهانی گلی زده‌اند یا منشا پیروزی بوده‌اند، امکان معیار شدن نخواهند داشت، چرا که این بازی پیوسته ادامه دارد و هر آن دچار نوآوری می‌شود. نوآوری‌ها در سطوح مدیریتی، سبک و روش بازی و سازماندهی تیم‌ها و اخلاقیات فردی خودنمایی می‌کنند. با ورود یک امر نو، فرد و امر کهنه به فراموشی سپرده می‌شوند.

۴. فوتبال، امری نسلی و فرانسلی

اگر از زمان ورود فوتبال به ایران نسل‌ها را بشماریم، با کمی اغماض می‌توانیم از شش نسل یاد کنیم. نسل همراه با موسسان فوتبال، نسل همراه تیمی که به بازی‌های جهانی راه یافتند، نسلی که دوران بی‌تصمیمی ناشی از انقلاب و جنگ را همراهی کردند، نسلی که بعد از انقلاب اولین تیم‌های به میان آمده و ظهور مجدد فوتبال را همراهی کردند، نسلی که یک بار دیگر سکون و شکست و نابودی بازی را نظاره کردند و نسلی که به انتظار یک حرکت دیگر فوتبالی در ایران هستند. در هر یک از این نسل‌ها، بازیکنان و دیگر عناصر بازی تغییر کرده و تجربه‌های متعددی به دست آمده است. درست است که بعضی از ابره‌های نسلی- از قبیل گل استیلی در رقابت با تیم آمریکا یا آقای گلی دابی در جهان و شکست در مقابل تیم‌های عربی در مراحل بسیار حساس و حضور بازیکنان ایران در بعضی از تیم‌های بزرگ و... از طریق افراد و رسانه‌ها تکرار می‌شوند، ولی اثرگذاری آن‌ها محدود است. آیا دابی امروز هم جایگاه هفت سال گذشته را دارد؟ آیا امروز هم مانند ده سال پیش به گل استیلی می‌نگریم؟ آیا امروز هم حضور بازیکنان ایرانی در تیم‌های مهم اروپا دنبال می‌شود و از بازیکنان دیروزی تجلیل به عمل می‌آید؟ خیر. این طور نیست. همه این امور که ساحت‌های خاصی تحت عنوان «ابره‌های نسلی و فرانسلی» دارند، به زمان و موقعیت و نقش‌آفرینی نسلی محدود هستند. تغییر نسلی با تغییراتی که در فوتبال به وقوع می‌پیوندد، همراه است.

۵. فوتبال و اهمیت تماشاچیان

ورزش و به طور خاص فوتبال، به دلیل ریسک‌پذیری بسیار بالایی که دارد، دارای دو ساحت متقابل و معارض است: پیروزی یا شکست. ساحت میانی وجود ندارد. دلیل تراشی برای عدم موفقیت یا عدم حضور در بازی‌های منطقه‌ای و جهانی به معنای شکست است، نه مجاب کردن مخاطب. زیرا همان طور که اشاره شد در این عرصه بیش از آن که بازیکنان و مدیران مهم باشند، داور تماشاچی‌ها تعیین‌کننده است. این تماشاچی‌ها هستند که تعیین می‌کنند چه چیزی درست است و چه چیزی غلط. به همین دلیل است که مساله عدم شرکت تیمی در مسابقه‌ای با دلیل آوردن مربی یا مدیران تمام‌شدنی نیست. این دلایل خود دستمایه قضاوت و داور تماشاچیان خواهند بود.

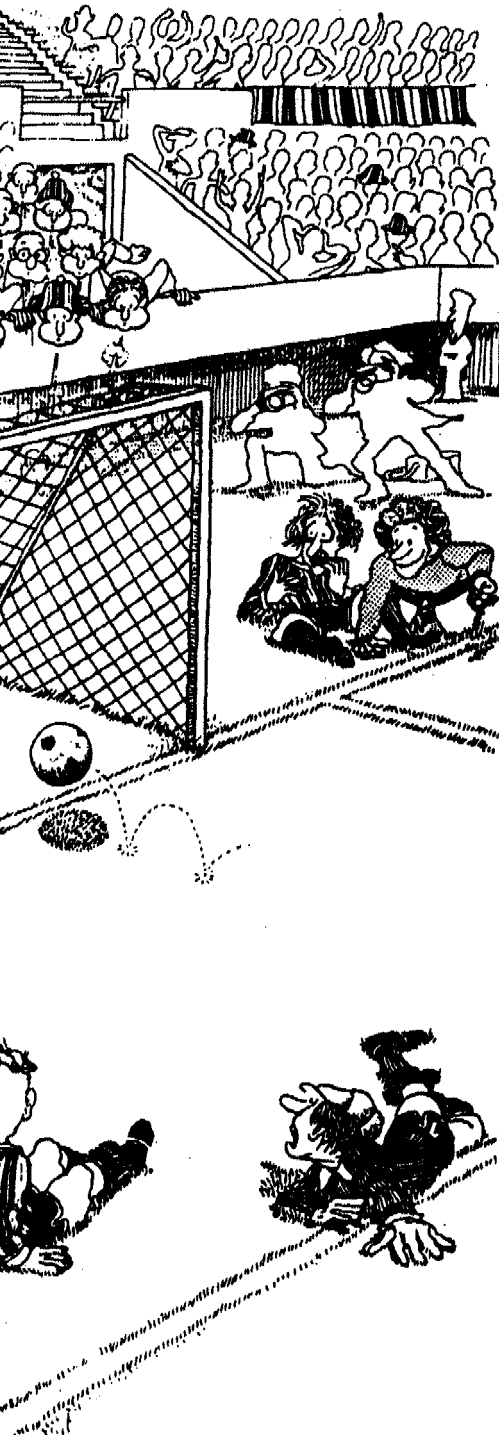
۶. پیروزی و شکست موقت در فوتبال

ورزش فوتبال بر خلاف بسیاری دیگر از فعالیت‌های بشری، پیروزی همیشگی ندارد. در عرصه‌های دیگر، مثل عرصه اقتصاد، عواملی به دوام و بقای پیروزی کمک می‌کنند، اما از زمان پیروز شدن یک تیم ورزشی تلاش برای جابجا کردن آن آغاز می‌شود. مثلا پیروزی تیم اسپانیا در مقابل تیم ایتالیا در هر دو کشور نشان داده شد و پیروزی اسپانیا، پیروزی یک ملت قلمداد شد. اما این پیروزی تا کجا ادامه دارد؟ قیمت بازیکنان و مربی و نشانه‌ها و علائم بیش از حد معمول است. این پیروزی در دوره‌ای از فوتبال اسپانیا ثبت و ضبط می‌شود. اما بعد از زمان محدودی، همه تیم‌ها در همه کشورها و حتی تیم پیروز، به فکر شرکت در مسابقه چهار سال دیگر خواهند بود. این است که تیم پیروز از زمان بسیار کمی بعد از پیروزی به نقطه صفر می‌رسد و باید دوباره تلاش کند، چون همه تلاش می‌کنند جای آن را بگیرند. تیم پیروز نیز تلاش می‌کند یک بار دیگر در مسابقه شرکت کند و نشان دهد هنوز توان قبلی خود را دارد. پیروزی بعدی نیازمند توانمندسازی دوباره است. این توانمندسازی با کار و تلاش و برنامه و مدیریت جدید به دست می‌آید، نه با حفظ داشته‌های قبلی.

۷. زیبایی و جذابیت

فوتبال ورزشی است که در آن زیبایی و جذابیت از طریق رنگ‌ها، فضاها، کالاهای، نمادها و نشانه‌های

فوتبال می تواند با نمادین شدنش در جامعه ایرانی، معیاری برای داوری در مورد کارآمدی نظام سیاسی و مدیریتی کشور باشد. اهمیت یافتن فوتبال تا جایی است که جنبه هویتی می یابد و در نهایت، ساختار سیاسی و اجتماعی جامعه را دچار تغییر می کند



خوب و قابل قبول بازی، همه نشانه های ارتقای فوتبال، ورزش، سازمان تربیت بدنی، تعلیم و تربیت، فرهنگ عمومی و در نهایت سیستم برنامه ریزی و مدیریت یک کشور است. من نمی گویم همه چیز در فوتبال و ورزش خلاصه می شود. البته می گویم فوتبال نشانه بسیار خوبی برای بیان وضعیت سازماندهی یک کشور است. گرچه ممکن است کشوری در جهان وجود داشته باشد که به فوتبال توجهی نکند و در مقابل به کشتی یا بسکتبال توجه کند، چون مثلا این نوع ورزش ها برایشان مهم تر است. مغرورترین کشور جهان، یعنی آمریکا، در طول دهه اخیر دست از توجه خاص به فوتبال خودش - فوتبال آمریکایی - کشید و به فوتبال جهانی که ماهیتا اروپایی است و در حال حاضر بیشتر در کشورهای آسیایی و آفریقایی خودنمایی می کند، وارد شد و جایگاه جدی ای هم به دست آورد و در جام جهانی ۲۰۱۰ در آفریقای جنوبی دیدیم که در مقایسه با دوره های قبلی بازی بسیار خوبی به نمایش گذاشت.

با توجه به این که این ورزش در نظام اجتماعی و سیاسی موقعیتی خاص یافته است و به معیاری در داوری رفتار تبدیل شده است این سوال مطرح می شود که "چه تناسبی بین فوتبال ایرانی و دولت ایرانی وجود دارد؟" دولت های ایرانی از گذشته تاکنون - منظور زمانی است که فوتبال به منطقه ما آمده است - بدون هیچ تاملی فوتبال را مورد توجه قرار داده اند و سعی کرده اند ضمن مدیریت آن تا حدی که مقدور و متناسب با درک مدیران بوده، در این زمینه سیاست های حمایتی داشته باشند.

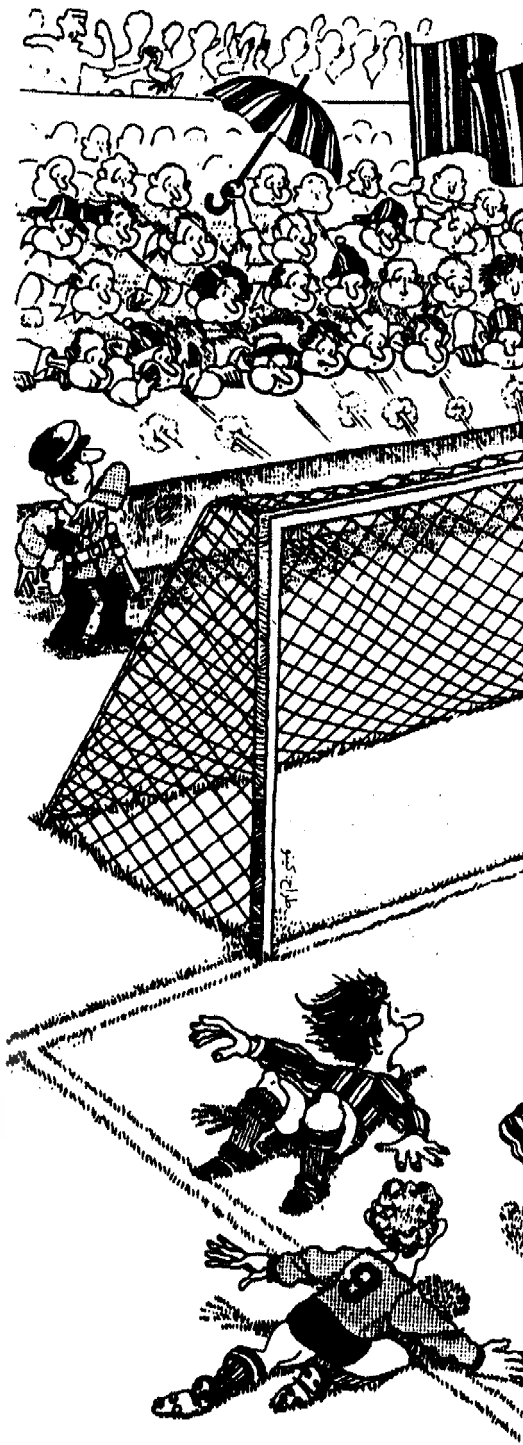
اغلب زمانی که این حوزه به موفقیت رسیده است، رئیس سازمان تربیت بدنی خود را کاندیدای ریاست جمهوری اعلام کرده و به تناسب توان و جاذبه اش در رقابت با دیگران، آرایی هم به خود اختصاص داده است. در دوره جدید، بعد از انقلاب اسلامی، با حضور اثرگذار دو رئیس سازمان تربیت بدنی - که معاون ریاست جمهوری هم بوده اند - در رقابت های انتخابات ریاست جمهوری روبرو

متعدد به نمایش گذاشته می شود. حضور رسانه همراه با تبلیغ کالاهای بسیار با ترکیب بندی تماشاچیان و بازیکنان، بر زیبایی و دلفریبی آن افزوده است. امروزه همراهی توپ و بازیکن به واسطه دوربین های متعدد و انتخاب سوژه های جذاب و حیرت انگیز، زیبایی و جذابیت فوتبال را دوچندان کرده است. برای ارائه امر جذاب در سطوح دیگر، باید هزینه بسیاری صرف کرد، در حالی که گشت و گذار دائمی دوربین در زمین و میان تماشاچیان، موجب یافتن شرایط و وضعیت هایی می شود که حیرت انگیز است. این نوع بروز و ظهور حیرت و زیبایی توسط رسانه به نمایش گذاشته می شود، ولی توسط رسانه خلق نمی شود، رسانه آن را بازنمایی می کند. حضور جمعیت و کارگزاران متعدد فوتبال است که به خلق این لحظه ها کمک می کند؛ رسانه هم با هوشمندی مدیر و مجری رسانه ای، امکان پخش آن ها را می یابد. زیبایی و جذابیت فوتبال به جامعه و فرهنگ وارد می شود و فوتبال از این طریق به تغییر اجتماعی و فرهنگی کمک می کند.

۸. فوتبال، معیاری برای داوری

فوتبال مانند نظام بانکی، نظام سلامت و بهداشت و نظام حمل و نقل هوایی، معیارهای عمده ای برای سنجش سلامت یا بیماری، کارآمدی یا ناکارآمدی و به روز بودن یا کهنگی و فرسودگی نظام های اجتماعی و سیاسی است. در دوره جدید اگر نظام فوتبال کشوری مناسب و کارا و در سطح جهانی مطرح باشد، می توان به نتایجی چند دست یافت: نظام سیاسی و اجتماعی آن کشور به روز است، داعیه حضور در صحنه های جهانی را دارد و در مسابقه های منطقه ای و جهانی مشارکت فعال و سنجیده ای دارد. این ها معیارهای اولین داوری فوتبالی در مورد نظام سیاسی و اجتماعی کشورهاست. معیارهای سطح دوم به رفتاری بر می گردند که در فوتبال به نمایش گذاشته می شود. به طور خاص، نظم و رعایت سلسله مراتب از سرپرست تیم تا کاپیتان و داور، تماشاچی و نمایش

بوده ایم. هر چند این دو نفر توانستند رئیس جمهور شوند، ولی توانستند به دلیل حضور در صحنه ورزش رای قابل توجهی کسب کنند. اگر این افراد قبل از این که رئیس سازمان تربیت



باید تامل کرد. این که آیا هر پهلوان خیرخواهی باید برای شرکت در انتخابات ریاست جمهوری کاندیدا شود و به رییس جمهوری هم برسد، بستگی به ماهیت پهلوانی، ورزشکاری و حوزه سیاست دارد. موفقیت در مدیریت سازمان تربیت بدنی نیز نمی‌تواند به تنهایی به معنای حضور همه‌جانبه در فوتبال تلقی شود. البته اگر در مدیریت این حوزه ناتوانی وجود داشته باشد، بیش از این که ضعف باشد، یک ننگ خواهد بود. ناتوانی و شکست رییس سازمان تربیت بدنی دولت نهم، موجب شد صلاحیت او برای وارد شدن به کابینه دولت دهم، مورد تأیید قرار نگیرد. چنین است که می‌توان مدیریت ورزش به طور کلی و فوتبال به طور خاص را یکی از نشانه‌های موفقیت دولت و سیاستمدار و برنامه دانست.

نتایج و عبرت‌های به دست آمده از بازی فوتبال

فوتبال یکی از پدیده‌هایی است که نماد میزان ورود جوامع به دنیای مدرن است، زیرا فوتبال ضمن این که امری چند بعدی و عقلانی و با ریسک بالاست، در آن تماشاچیان و مردم هم مهم هستند. برای همین فوتبال می‌تواند به سرعت به یک پدیده مطلوب عامه تبدیل شود. فوتبال بخشی از فرهنگ عامه است. از طرف دیگر، فوتبال می‌تواند منشا تحولات و تغییرات عمده باشد. فوتبال موجب تغییر نگرش و رفتار افراد جامعه می‌شود. حضور همه نیروهای اجتماعی و فرهنگی برای اتفاقی به نام فوتبال، به تحول و تغییر اساسی در ساختار اجتماعی و فرهنگی می‌انجامد.

فوتبال می‌تواند با نمادین شدنش در جامعه ایرانی، معیاری برای داوری در مورد کارآمدی نظام سیاسی و مدیریتی کشور باشد. در این بازی که همه نسبت به آن حساسیت بالایی دارند، ضعف در مدیریت بیش از دیگر حوزه‌ها نشان داده می‌شود، همان طور که قوت در مدیریت این حوزه، می‌تواند به مشروعیت بیشتر جامعه و نظام سیاسی بینجامد. اهمیت یافتن فوتبال تا جایی است که جنبه هویتی می‌یابد و در نهایت، ساختار سیاسی و اجتماعی جامعه را دچار تغییر می‌کند.

دقت و جدیت و مدیریت و عقلانیت در فوتبال و شرکت در رقابت‌های متعدد که به منزله قبول قواعد و قوانین حاکم بر مناسبات عمومی است، می‌تواند به پیروزی یا شکست بینجامد. این نتیجه است که افراد و گروه‌های اجتماعی و سیاسی را به رقابت دعوت می‌کند. افراد جامعه جدید که نظاره‌گر فوتبال هستند، ضمن آن که حس روشنی

از فردگرایی دارند، به نظامات جهانی قائل بوده و الزام‌های عمومی را به رسمیت می‌شناسند. در این نوع جامعه دیگر نمی‌توان وجه غالب عمل افراد را در فردگرایی افراطی خودخواهانه دید. در مقابل، فردگرایی دیگرخواهانه شکل خواهد گرفت، یعنی افراد یاد می‌گیرند که شرکت در بازی فوتبال، یعنی قبول رقیب و تعامل و شکست یا پیروزی که به معنی انتقال امکانات و بهره‌ها و شادی‌ها به طور موقت است.

فوتبال در سطحی وسیع، آموزش مسائل جهانی به افراد را ممکن ساخته است. در این تعامل و تزاوح، همه کشورها به لحاظ فرهنگی حاضر می‌شوند و تیم‌ها، حس فرهنگی‌شان را به دیگران منتقل می‌کنند. حضور تیم‌ها با نشانه‌های متعدد از قبیل پرچم، زبان، رنگ، سطح توسعه یافتگی، وضعیت بهداشت و آموزش، مشکلات سیاسی و اقتصادی، نوع رابطه با جهان معاصر، همسایگان و... همراه است. چنین است که حضور در جام جهانی فوتبال برای یک کشور، یک شانس فرهنگی و سیاسی است، نه فقط شانس برای به نمایش گذاشتن یک بازی. جامعه جهانی هم فرصت‌شنایی و مرور یافته‌ها و دانش خود را در مورد کشوری که تیمش در این صحنه حاضر می‌شود، پیدا می‌کند. خوشا به حال کشورهایی که این فرصت را در ۲۰۱۰ در آفریقای جنوبی پیدا کردند که بدون فرستادن سفیران فرهنگی و تشکیل جلسه و مهمانی، از سوی دیگران دیده شوند و در طول یک دهه مهم جلوه کنند. حضور در جام جهانی ۲۰۱۰ برای بسیاری از کشورها به لحاظ فرهنگی و سیاسی به منزله معرفی سطح جدیدی از توسعه یافتگی کشورشان بود تا ارائه یک بازی. توجه به اهمیت فرهنگی و هویتی فوتبال برای کشورها بود که در بعضی مسابقات، مقامات بالای سیاسی و فرهنگی کشورها حاضر شدند و سعی کردند بر اهمیت آن‌ها بیفزایند. حضور کلینتون، رییس‌جمهور قبلی آمریکا در میان تماشاچیان یا صدر اعظم آلمان، نشان از اهمیت این پدیده داشت.

امید است که در آینده نزدیک برای کشور ایران هم این فرصت فراهم شود که ضمن ارائه یک بازی خوب در جام جهانی، فرصت معرفی فرهنگ، تاریخ، ادبیات، سیاست و اخلاق خود را به دیگران پیدا کند تا در کنار حضور در عرصه ورزش، با عرضه فرهنگ، اخلاق، سیاست، اقتصاد، و سطح توسعه یافتگی اجتماعی و سیاسی و فرهنگی‌مان، به داشتن ایرانی آباد و همبسته نزدیک‌تر شویم.